

به استقبال اعتصابات و اعتراضات سراسری برویم !

مبارزات اعتراضی مردم موج پشت موج، قلعه‌ی فرتوت جمهوری اسلامی را می‌کوبد. بادهای سوزانی که رژیم حاکم بر ایران طی ۲۵ سال خون‌ریزی، جنایت و حق‌کشی سبوعانه، کاشته و آخرین آنها در انتخابات قلابی مجلس هفتم انجام شد، به برخاستن توفان خشم مردم منجر شده که نابودی رژیم را دیر یا زود در پی خواهد داشت.

هنوز خون کارگران مس خاتون آباد خشک نشده بود، کارگران آن مجتمع دوباره به اعتراض دست زدند و نشان دادند که از رژیم هراسی به دل راه نداده‌اند؛ تظاهرات ۸ مارس زنان و درگیری آنها با عوامل رژیم؛ اعتصاب سراسری بیش از ۳۰٪ معلمان مبارز ایران، پس از آن که چانه‌زنی‌هایشان با مسئولین امور جهت تحقق خواسته‌های به‌حق‌شان بی نتیجه ماند، که حکایت از تشدید مبارزات معلمان در آینده می‌کند و پشتیبانی دانش‌آموزان از آنها؛ اعتراض به تقلبهای انتخاباتی در بسیاری از شهرها و به‌خیابان ریختن مردم و درگیری با مزدوران رژیم و کشته و زخمی شدن دهها نفر توسط جنایت‌کاران رژیم که آخرین نمونه‌ی این اعتراضات در فریدون کنار روی داد که به شورش تمام عیار تبدیل شده، نشان از تصمیم مردم در جهت جلوگیری از تاخت و تاز رژیم به حقوق‌شان دارد؛ تظاهرات گسترده در کردستان، به‌مناسبت تصویب قانون اساسی در عراق که حق خودمختاری بیشتری را به کردها می‌دهد و درگیری آنها با مزدوران رژیم؛ اخطار مردم ایذه به مقامات قوه قضائیه در مورد آزادی دستگیر شده‌گان تظاهرات مردم پس از انجام انتخابات قلابی در این شهر، گسترش اعتصابات در بیمارستانها و غیره همه دال بر این است که توفان در راه است و رژیم بیش از هر زمان منفردتر شده و جز تشدید خفقان، راهی برای حفظ قدرت ندارد!

شکست حرکت‌های منفرد اعتراضی کارگران، دانش‌جویان و مردم نشان داده‌است که به‌زانو درآوردن و حتا وادار به عقب‌نشینی کردن رژیم، تنها با حرکت‌های متحد و سراسری و شرکت اکثریت مردمان کارگر و زحمت‌کش شهر و روستا ممکن است. چنین حرکتی است که می‌تواند با تلنگری قلعه‌کهنه و فرتوت رژیم اسلامی را که از درون خالی شده‌است، فروریخته و زمینه را برای این که مردم سرنوشت خود را خود به‌دست گیرند، فراهم کند.

تجربه مبارزاتی به‌ویژه در چند سال اخیر نشان داده که هرجا مردم به‌مبارزه و اعتراض دست می‌زنند، رژیم برای سرکوب مردم، عوامل مزدورش را از مناطق دیگر جمع کرده و به محل اعتراض می‌برد تا با نیروی بیشتری در برابر مردم بایستد. پس باید عوامل مزدور رژیم را در سراسر ایران و در جایگاه‌های میخ‌کوب کرد و با یورش سراسری، آنها را در دریای حرکت‌های توده‌ای محاصره نموده و وادار به تسلیم نمود.

سالهاست دشمنی حاکمان به استخوان کارگران و زحمت‌کشان یعنی اکثریت بیش از ۸۰٪ مردم ایران رسیده‌است و فریادها هم از چهارگوشه‌ی ایران بلند است! و اگر این فریادها هنوز به‌غرش می‌رعدگونه تبدیل نشده، تنها و تنها به دلیل عدم هم‌آهنگی و فقدان تمرکز آنها بوده‌است.

دفاع و پشتیبانی از مبارزات به حق کارگران و زحمت‌کشان علیه رژیم جمهوری اسلامی و شرکت در این مبارزات و هم‌آهنگ و سراسری کردن آنها، وظایفی است که بیش از همه بر دوش کمونیستها قرار دارد. دیوار پوسیده‌ی قلعه ارتجاع اسلامی در حال فرو ریزی است باید با گسترش مبارزات سراسری، این ریزش را تسریع کنیم.

اما این مبارزه در صورتی به‌پیروزی نهایی خواهد رسید که بر ویرانه‌های جمهوری اسلامی، نظامی سوسیالیستی و حکومتی شورایی مستقر گردد و گرنه خونهای ریخته شده‌ی مردم به ثمر ننشسته و بار دیگر حاکمین جدید که عمال نظام سرمایه‌داری هستند، به سیاق شاه و شیخ، تجاوز خود را به حقوق مردم ادامه خواهند داد!

با اعتراضات سراسری متحد و یک‌پارچه، زمینه را برای قیام سراسری آماده کنیم !
مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی ایران !

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

۲۴ اسفند ۱۳۸۲ - حزب رنجبران ایران